

تعلیمات دینی

(۳)

- ثالثاً عبادات ووظایف مسلمان منحصر و محدود بچند فقره تشریفات و آداب روزانه یا سالیانه که جدای از زندگی باشد نیست بلکه جنبه کلی و حکومت و دلالت بر آمال و افکار و اعمال شخص داشته . دینداری یعنی هدفگیری بسوی خدا و ارتقاء بکمال از طریق فعالیتها ووظائف زندگی .

عبادت و مساعی که مؤمن انجام میدهد جنبه کامل کلی و عام داشته طبق اصطلاح مکرر و مصرانه قرآن در جمله کوتاه و کلی «عمل صالح» خلاصه میشود . یا با مختصر تفصیل بیشتری تعبیر باحسان و خیرات و سایر اقداماتی میگردد که در اصطلاح روز خدمت بخلق یا نوع دوستی و خدمت بنوع نیامیده میشود . جادارد روی این مطلب که «عبادت بجز خدمت خلق نیست» و روی فرمایش حضرت رسول که «من اصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» و سایر آیات و احادیث مشابه فوق العاده تکیه شود تا جوانان بدانند خدا پرستی نقطه مقابل خود پرستی و خود خواهی و خود بینی (بهر صورت و وجهی که ظاهر شود) میباشد و تصور نکنند مسلمان میتواند بی اعتناء و بی علاقه بنزدیکان و با اجتماع بوده با گوشه نشینی و بیکاری خود را دلخوش بپاره ای عبادات و تکالیف شخصی بنماید. توجه دادن شاگرد باین نکته شاید بسیار مفید باشد که منبع و منشأ تمام اخلاقیات و کمالات انسان علاقه و خدمت بفری و انصاف از خود میباشد : خوشروئی - خوش رفتاری - دوستی -

برادری - اصلاح حال مردم - رعایت رحم و همسایه و معلم و غیره - وفای بعهده - انجام وظیفه - عفو - احسان - امر بمعروف - نهی از منکر - دفاع - جهاد - و غیره . کسیکه مردم او را دوست نداشته باشند و از مرگش متأسف نشوند خدا هم او را دوست ندارد و آمرزیده نیست .

- رابعاً توجه و تذکر اینک عبادت ما برای کیست و چه اثری دارد . شاگردان بفرخور استعداد و پیشرفت در دوران مدرسه خوب حس کنند که ماعبادات و اعمال نیک را برای خدا انجام نمیدهیم و وظائف دینی بهیچوجه شباهت به اظهار ادب - و تملق گوئی به پیشگاه پادشاهان که موجب خوش آیند آنان باشد یا از نوع خدماتی که نوکر برای ارباب انجام داده انتظار اجرت را دارد نیست « ان الله غنی عن العالمین » .

مابین اطاعت و عبادت را صرفاً برای احتیاج خود و برای تأثیر روح خودمان انجام میدهیم بطوریکه تغییر یافته اصلاح و تکمیل شویم . برای آنکه وجود ما یعنی ساختمان داخلی و ملکات ما یعنی شخصیت ماعوض شده قابلیت و استعداد برای درک نعمات و رحمتهای خدا پیدا کنیم .

اعمال و مساعی صحیح که خالی از غرض و ریا در جهت جلب رضای خدا برای خیر و خدمت بسایرین با تحمل مشکلات و بکار انداختن اراده انجام میشود عیناً مانند ورزش است که جسم و روح و شخصیت انسان را تقویت میکند . توانائی بدنی و نیروی اراده و قدرت خلاقه اش را بالا آورده او را در نردبان ارتقاء پله پله بسوی خدا نزدیک و شبیه میکند . از موجودی نام و نشان ضعیف و ناتوان مقهور طبیعت و هوای نفس موجود با شخصیت نامدار مؤثر مولدی میسازد که موافق با دستگاه خلقت و مؤثر روی آن میگردد و این شخصیت و آثار که پس از مرگ و تلاشی او بتأثیر و تولیدات خود ادامه خواهد داد در روز احیای جهان که ذخائر پنهان رشد و نمو یافته آشکار میشوند و باروی سفید و چنجه سنگینی بجانب بهشت برین برای رسیدگی جاویدان روان خواهد شد .

دانش آموزان اشارات کتاب و بیانات معلم را خوب درک کنند که قرآطبیعت و خلقت بر آن است که چه در کار زراعت و تجارت و صناعت دنیا چه در راه تقویت بدن و تربیت نفس

تا انسان چیزی از خود نمایه نگذارد و تخم نکارد ، سرمایه خرج نکند ، مصالح مصرف ننماید ، مشکلات و اراضی را با بکار نیندازد ، و خود را در معرض زحمت و مقابله با مسائل و مشکلات قرار ندهد در آمدی و استفاده و اکتساب جدیدی نخواهد داشت . از خرج کردن و از دست دادن مال و راحتی و سایر متعلقات نفسی نباید دریغ داشت که «لن تنالوا البر حتی تنظروا مما تحبون» و انسان چه در کار دنیا و چه در کار آخرت تا کوشش نکند و زحمت نکشد بهره ای نخواهد برد «لیس للانسان الا ماسعی» و کسی جز خود شخص برای او نمیتواند مفید باشد (الاعتراف و الزمة و زراخری) بنابراین نباید تصور کرد که فدا شدن برای اجتماع و در راه حق ، نشان دادن است بلکه وجود او اضافه میشود و خداوند (با دستگاہ خلقت) ضامن توسعه آثار و نتایج بعدی آن میباشد . **اولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله لعلوا بل احياء عند ربهم يرزقون** .

- خامسا در ترتیب تعلیم احکام بهتر است رعایت الاهم فالاهم شود .

نماز بعنوان دروازه ایمان و تذکر و بازگشت دائمی شخص بسوی خالق و همساز و هم آهنگ شدن با کلیه موجودات که تسبیح خدا را میکنند . پس از آن زکوة بمعنای غام آن که نیکوکاری و دستگیری و احسان و انفاق است و بیش از هر چیز در قرآن تأکید شده و همه جا بنام اعمال نماز آمده است .

مقابل صلوة و زکوة و بطور کلی در برابر عمل صالح که در قرآن بعد از ایمان شرط دوم دخول به بهشت شناخته شده است و جنبه مثبت دارد شرط سومی که ذکر میشود و **آیهم بارکاتیه دارد تقوی است (و العاقبة للمتقين - انما یقبل الله من المتقين - ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقين - اما و اعلی البر و التقوی - واقفون با اولی الالباب)** بنابراین در ردیف تعلیم احکام بعد از نماز و انفاق ممکن است به مفاهیم تقوی پرداخت و از احادیث شده بشما گردان فهماند که مسلمان نمیتواند دروغگو - متعدی - بدقول بد رفتار - بدخواه - خائن - کفر ورش - اکلاه گذار - سخن چین - موذی و صاحب سایر رذائل اخلاقی باشد .

همچنین کلمه تقوی که خود داری در مقابل هوای نفس و فشارهای داخلی است

کلمه دیگری در قرآن مکرر آمده است که در بسیاری موارد جان‌نشین تقوی می‌شود: (ان الله مع الصابرين - یا ایها الذین آمنوا الصبر ووصایر وراابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون و تواصلوا بالصبر و تواصلوا بالمرحمة - الصابرين فی الباساء و الاضراء و حین الباس اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المفلحون - . بنابراین صبر که خود داری در مقابل شدائد و مشکلات انجام وظیفه یعنی در قابل فشارهای خارج است و بیایداری تعبیر می‌شود در ردیف احکام و عبادات آمده جنبه دیگری از ملکات اخلاقی شخص مؤمن را تشکیل می‌دهد و جای آن در تعلیمات دینی می‌باشد مخصوصا اگر بشاگردان توجه داده شود که مسلمان آنچنان شخص است که نه تنها در برابر هوای نفس و بمقیاس شخصی حاضر بخود داری و مقاومت می‌شود بلکه در برابر مشکلات و گرفتاریها و حوادث خارج نیز ایستادگی نموده از میدان مبارزه بعدر ضرر و خطر شانه خالی نخواهد کرد.

وظائف و فرائضی که جنبه اجتماعی آن بیشتر ظاهر می‌باشد و در بیک ردیف می‌شود بیان کرد امر معروف و نهی از منکر و دفاع و جهاد است اینها کاملا می‌رساند که مسلمان حق ندارد فقط بفکر خود چه بلحاظ دنیا و چه بلحاظ آخرت باشد بلکه مسئول دیگران و اجتماع بوده حتما درصد هدایت سایرین و حفاظت آنها بر خواهد آمد.

سایر احکام از قبیل روزه که در مدت محدود یکماه در سال بر شخص واجب می‌شود و حج که یکبار در عمر پیش می‌آید هم از جهت محدودیت زمان و هم از جنبه شخص البته در درجه آخر اهمیت می‌آیند گو آنکه آنها را نیز شرع مانند نماز که رابطه فرد با خالق است تاکید زیاد کرده است که صورت اجتماعی پیدا کرده در زمان و مکان و جهت مشترکی بطور دسته جمعی انجام گیرد.

صرف نظر از فرائض و اعمالی که عاده بنام احکام دینی تلقی می‌شود یک امری که بسیار عمومیت و تاکید زیاد در قرآن دارد و فراموش شده است امر کسب و اکتساب می‌باشد اسلام تنها حقی و سرمایه‌ای که در دنیا و آخرت برای موجودات قائل شده کسب است: «خلق الله السموات و الارض بالحق و لتجزی کل نفس بما کسبت - تلك امة قد خلقت لها ما کسبت و علیکم ما کسبتم - للرجال نصیب مما کتسبوا و للنساء نصیب مما کتسبن»

کل نفس بما کسبت رهینة - ولکل درجات مما عملوا ، همچنین در اخبار حدیث نبوی
الکاسب حبیب الله که مقام کاسب راهم شأن : المحمد حبیب الله میرساند .

بنابر این فهماندن این حقیقت واصل که راه وصول بهر منظوری اعم از دنیا و آخرت
و مشروع و نامشروع کار کردن و کوشش نمودن و بدست آوردن است و تجربیات و علوم
امروزی نیز همین حقیقت را دنبال میکند بسیار مفید و مؤثر خواهد بود (من کان یرید
الحیوة الدنیا وزینتها نوف الیهم اعمالهم فیها وهم فیها لایبخسون ومن کان یرید الاخرة
وسعی لها سعیها فاولئک یوفیهم اجرهم بما کانوا یعملون) بعنوان دستور کلی هر قدر در
کوشش شاکردان جاداده بشود باز کم است والسلام علی من اتبع الهدی .

انظر و الی ما قال ولا تنظر و الی من قال

پایان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

تشکر و امتداز

جمعی از دوستان و سروران کرام بوسیله نامه و تلگراف و
جراید مصیبت وارده (فوت اخویرا) باینجانب تسلیت فرموده اند
بدینوسیله از عموم آنها تشکر و سپاسگزاری می نمایم و چنانچه
بر اثر تألمات روحی بجواب نائل نگردیدم عذر خواهی میکنم

سید محمود علامه طباطبائی